با خورشید انقلاب
(خاطراتی از رهبر معظم انقلاب)

لباس نظامی، برازنده شماست

روزی در محضر رهبر معظم انقلاب بودم که فرمودند: من در زمان جنگ، همیشه با لباس نظامی در جبهه‌ها حاضر می‌شدم. اما تردید داشتم که آیا مصلحت همین است که من لباس پیغمبر(صلی الله علیه و آله) را کنار بگذارم و این لباس نظامی را بپوشم یا با همان لباس روحانی در جبهه‌ها حضور پیدا کنم؟!

یک روز پنجشنبه که از جبهه به منظور شرکت در نماز جمعه به تهران آمدم، برای دادن گزارش مستقیما از فرودگاه به جماران رفتم، امام (ره) در پشت پنجره ایستاده بودند. من مشغول باز کردن بند پوتین‌ها شدم و این کار مدتی طول کشید. حضرت امام همچنان ایستاده بودند و با لبخندی، به دقت مرا نگاه می‌کردند. چون وارد اتاق شدم و دست امام را بوسیدم، ایشان دستی به شانه من زدند و فرمودند: زمانی پوشیدن لباس سربازی در عرف ما خلاف مروت بود، ولی الان می‌بینیم برازنده شماست!

با این کلام دلربای امام، تردید از دلم بیرون رفت و همیشه از پوشیدن لباس نظامی لذت می‌بردم!

***حجةالاسلام ذوالنوری (فرمانده وقت تیپ مستقل ۸۳ امام صادق ع)، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۹۰/۷/۲۴.**

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

مسح سر بر موی آغشته به روغن

س) آیا ژل و یا روغن مو مانع مسح سر در وضو است؟

ج) اگر جرم و چربی داشته باشد که مانع رسیدن آب به محل مسح باشد، وضو با آن صحیح نیست و باید برطرف کند و تشخیص آن به عهده مکلف است.

برگزاری مراسم ازدواج در ایام قمر در عقرب

س) با توجه به اینکه در هر ماه قمری، بعضی از روزها قمر در عقرب است، آیا برگزاری مراسم ازدواج در این روزها اشکال دارد؟

ج) در ایام قمر در عقرب، اجرای صیغه عقد نکاح، کراهت دارد، اما برگزاری مراسم اشکال ندارد.

اعضای حلال ماهی

س) آیا مدفوع و امعاء و احشاء داخل شکم و سر و چشم ماهی حلال است؟

ج) از ماهی آنچه که حرام است خون و کثافات آن است و بقیه اعضای آن حلال است.

خوردن کدام حیوانات دریایی جایز است؟

س) خوردن خرچنگ و قورباغه و گوشت نهنگ حلال است؟

ج) حلال نیست. از حیوانات دریایی فقط ماهی فلس‌دار و میگو و بعضی از پرندگان حلالند.

ذبح شرعی مرغ

س) در روش‌های جدید برای ذبح مرغ ابتدا به‌وسیله برق یک شوک به مرغ می‌دهند تا مرغ بیحال شود و برای ذبح تقلا نکند بعضی از مرغ‌ها بوسیله اینِ شوک می‌میرند آیا با علم به این موضوع خوردن مرغ شرعاً اشکال دارد یا خیر؟

ج) اگر بقیه شرایط ذبح شرعی رعایت می‌شود، تا یقین پیدا نکرده‌اید که حیوان در اثر شوک مرده است، استفاده از آن مانعی ندارد.

خوردن گوشت ماهی اوزون‌برون یا خاویار

س) خوردن گوشت ماهی اوزون‌برون یا خاویار چه حکمی دارد؟ (وقتی زنده از آب می‌گیریم فلس ندارد اما کارشناسان می‌گویند که فلس داشته به عللی فلس‌ها جدا شده است.) ملاک فلس‌دار بودن هنگام صید آن است یا در خلقتش فلس داشته باشد کفایت می‌کند و چنانچه جواب مثبت است تشخیص آن به عهده کیست اگر با گفته کارشناس به اطمینان برسیم کفایت می‌کند؟

ج) اگر فلس‌دار باشد حلال است، هر چند پس از صید فلس خود را از دست بدهد و تشخیص فلس‌دار بودن با خود مکلّف است و اطمینان از گفته کارشناس نیز کفایت می‌کند.

حق المارّه(عبورکننده)

س) حق المارّه چیست؟ شرایط آن را بیان کنید.

ج) کسی که در حال عبور، به درختی میوه‌دار برسد ـ با شرایط زیر ـ می‌تواند از میوهٔ آن بخورد:

بنابر احتیاط واجب یقین به عدم رضایت مالک نداشته باشد.
به طور اتفاقی از آنجا عبور کند نه با قصد خوردن میوه.
ضرر و آسیب به درخت نزند و میوه‌ها را تلف نکند.
میوه را همان جا بخورد و با خود نبرد.
وارد ملک ـ مانند باغ ـ نشود.

شک در وضو پس از نماز

س) اگر کسی بعد از نماز شک کند که وضو گرفته یا نه، وظیفه او چیست؟

ج) نماز خوانده شده صحیح است ولی باید برای نمازهای بعدی وضو بگیرد.

مشخص نکردن مهریه در عقد

س) عدم ذکر مهریه ـ عمدا یا به خاطر فراموشی ـ در عقد دائم و موقت، چه حکمی دارد؟

ج) در عقد دائم، ذکر مهریه شرط نیست و اگر مهریه معین نشود، عقد صحیح است و چنانچه آمیزش جنسی صورت گرفته باشد زن مستحق مهر المثل است؛ ولی در عقد موقت تعیین و ذکر مهریه، جزء ارکان عقد بوده و بدون آن عقد باطل است.

حکایت اهل راز

با ترک محرمات و انجام واجبات!

یک شب آیت‌الله حق‌شناس(ره) در سال‌های جوانی، آقاشیخ مرتضی زاهد را در خواب می‌بیند. ایشان با چند نفر به همراه آقا از بازار به مسجد جمعه وارد می‌شوند و همچنان پیش می‌روند تا به حوض بزرگ صحن مسجد می‌رسند که در این هنگام می‌بیند آقاشیخ مرتضی زاهد از روی حوض مسجد رد می‌شود و به آن سوی حوض می‌رود و او (آیت‌الله حق‌شناس) حوض را دور می‌زند و به کنار ایشان می‌رود و می‌پرسد: آقا شما چگونه به این مقامات رسیده‌اید؟ شیخ مرتضی زاهد جواب می‌دهند: «با ترک محرمات و انجام واجبات» آیت‌الله حق‌شناس(ره) از این خواب خوشش می‌آید و تصمیم می‌گیرد تا با این خواب آقا شیخ مرتضی را امتحان کند. با این نیت به نزد ایشان می‌رود تا در بیداری نیز جواب آقا شیخ مرتضی را از زبان او بشنود. آقا شیخ مرتضی زاهد دوباره در بیداری نیز به او می‌گوید: «با ترک محرمات و انجام واجبات».

*** رستگاران، علی قاسمی، نشر هنارس، چاپ دوم ۱۳۹۲،ص ۲۹.**

قیام برای خدا؛ تنها موعظه الهی

مهدی جبرائیلی تبریزی

با بررسی مستندات و بیانات و پیام‌های حضرت امام خمینی(ره) به این نتیجه می‌رسیم که ایشان تنها آیه‌ای که از آغاز تا فرجام انقلاب و تا پایان عمر مبارکشان برآن تأکید فراوان کرده است، آیه ۴۶ سوره سبا است :«قُلْ إِنَّما أَعِظُكُمْ بِواحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلّهِ مَثْنى وَ فُرادى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا»؛ بگو: شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم و آن اینکه: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید.

این موعظه قرآنی را می‌توان به‌عنوان شاه‌بیت بیانات و بیانیه‌های ایشان در طول قیام و انقلاب تلقی کرد.

از این سند می‌توان به عنوان سندآغازین و منشور راهبردی انقلاب اسلامی نام برد. محتوای این سند بر بستر یک موعظه و یک دستورالعمل جامع قرآنی شکل گرفته است. طبق آن، پیامبراکرم (صلّی‌الله‌علیه‌وآله) مأمور می‌شود که مردم را به موعظه‌ای یگانه دعوت کند؛ اینکه به صورت دو نفر دو نفر یا یک نفریک نفر برای خدا قیام کنند. در این آیه شریفه «إِنّما» برحصر(یعنی فقط) و تعبیر «واحدة» برنفی تعدد دلالت دارد و بطور واضح می‌فهمانند که بهترین و مهم‌ترین موعظه الهی از بین تمام مواعظ در منطق قرآن، «قیام‌لله» است.

حضرت امام این موعظه را موعظه جامع و جاوید قرآن معرفی می‌کنند: «این جمله مبارکه کوتاه، جامع سعادت دنیا و آخرت و متضمن تمام مواعظ پیامبران عظیم‌الشأن و اولیای بزرگواراست. خداوند تعالی ما را موفق فرماید در به کار بستن آن».(صحیفه امام ، ج۱۵، ص۳۴۶).

حضرت امام موعظه قیام‌لله را موعظه جامع و جاوید قرآن معرفی می‌کنند: «این جمله مبارکه کوتاه، جامع سعادت دنیا و آخرت و متضمن تمام مواعظ پیامبران عظیم‌الشأن و اولیای بزرگواراست. خداوند تعالی ما را موفق فرماید در به کار بستن آن».

شأن نزول آیه

در شأن نزول آیه کریمه از امیرالمؤمنین(ع) نقل شده است که فرمودند: «منافقان به رسول خدا گفتند: آیا برای خداوند بعد از فرائض و واجباتی که بیان داشته است، چیز دیگری باقی‌مانده است که به ما نگفته باشد و خیال ما از این حیث راحت باشد و بدانیم که از فرائض و دستورات چیز دیگری فروگذار نشده است؟ درجواب آنها این آیه نازل شد و منظور از واحده در آیه شریفه موضوع ولایت است»(الکافی؛ ج۱؛ ص۴۲۰).

از امام صادق(ع) نقل شده است: «منظور از واحدة در آیه شریفه، ولایت است. راوی گوید: به امام گفتم چگونه چنین چیزی ممکن است؟ فرمود: وقتی که رسول خدا(ص) علی(ع) را به ولایت منصوب کرد و فرمود: «من کنت مولاه فعلیّ مولاه» در این میان مردی برخاست و از روی طعنه گفت: محمد، هر روز موضوع تازه‌ای را برای ما عنوان می‌کند و الآن قصد کرده که اهل‌بیت خود را بر گردن‌های ما سوار کند و آنان را مالک ما قرار دهد، سپس این آیه نازل شد و بعد پرسیدند مراد از مثنی در آیه چیست؟ فرمود: مراد از«مثنی» اطاعت پیامبراکرم(ص) و اطاعت امیرالمؤمنین علی(ع) و مقصود از «فرادی» درآیه اطاعت از امامان از نسل آن دو می‌باشد، سپس امام فرمود: به خدا قسم منظور از این آیه شریفه، چیزی غیراز این موضوعات نیست»(بحارالأنوار؛ ج۲۳؛ ص۳۹۱).

جلوه‌های گوناگون قیام برای خدا

از نظر تفسیری سه رویکرد کلی در مورد آیه کریمه وجود دارد:

قیام سیاسی- اجتماعی

براساس مسلمات دینی، قیام اجتماعی مهم‌ترین شأن نبوت و امامت است. این ادعا را با شواهد قرآنی و روایی زیادی می‌توان اثبات کرد.

حضرت امام حسین(ع) در منطقة البیضه خطاب به سپاهیان حربن یزید ریاحی فرمود: «هان ای مردم! همانا رسول خدا فرمود: هرکه فرمانروایی ستمگر ببیند که حرام‌های خدا را حلال می‌شمرد، پیمان خدا را می‌شکند، با سنت رسول خدا مخالفت می‌کند، میان بندگان خدا با گناه و تجاوز رفتار می‌کند و با کردار و گفتار خود بر او نشورد، برخداست که اورا در جایگاه(پست و عذاب‌آور) آن ستمگر درآورد» (بحارالأنوار؛ ج۴۴؛ ص۳۸۲).

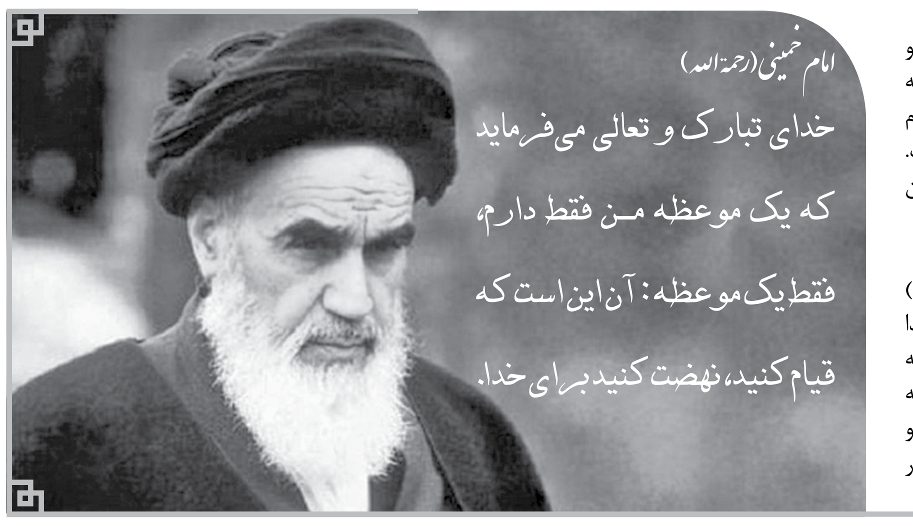

امام خمینی(رحمة الله)
خدای تبارک و تعالی می‌فرماید
که یک موعظه من فقط دارم،
فقط یک موعظه: آن این است که
قیام کنید، نهضت کنید برای خدا.

از این منظر قیام در این آیه، ماهیتی اجتماعی و سیاسی دارد. امام خمینی درکتاب ولایت‌فقیه این نظریه را مطرح کرده‌اند. از نظر ایشان خداوند همه عالمیان را به خیزش اجتماعی و سیاسی دعوت کرده است(زندگی معنوی، فعالی، ج۱، ص ۳۴).

حضرت امام قیام برای خدا را تنها راه اصلاح جهان عنوان کرده که آن، فلسفه بعثت همه انبیای الهی بوده است.

ایشان راه وصول به معرفت و مقاصد الهی را «قیام‌لله» معرفی می‌کند؛ قیامی که زیر بنای معرفتی و تربیتی و زمینه‌ساز تحقق آرمان‌های الهی در جامعه است: «برای خدا قیام کنید...، از تمام موعظه‌ها خدای تبارک و تعالی انتخاب کرده این یک موعظه را: یعنی همین یکی را من موعظه می‌کنم، چون همه چیز تو اینجاست... همه چیز در قیام‌لله است. قیام‌لله معرفت‌الله می‌آورد. قیام‌لله فدایی برای الله می‌آورد. قیام‌لله فداکاری برای اسلام می‌آورد. همه چیز دراین قیام‌لله است و لهذا تنها موعظه‌ای که انتخاب کرده خدای تبارک و تعالی از بین موعظه‌ها، همین موعظه است که اجتماعی و انفرادی قیام‌لله بکنید. انفرادی برای وصول به معرفت‌الله، اجتماعی برای وصول به مقاصدالله». (صحیفه امام، ج۱۸، ص۱۲۵).

ایشان پیرامون آثار اجتماعی خودخواهی می‌نویسند: «خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران درآورده. قیام برای منافع شخصی است که روح وحدت و برادری را در ملت اسلامی خفه کرده. قیام برای نفس است که بیش از ده میلیون جمعیت شیعه را به طوری از هم متفرق و جدا کرده که طعمه مشتی شهوت‌پرست پشت میزنشین شدند. قیام برای شخص است که یک نفر مازندرانی بی‌سواد را بر یک گروه چندین میلیونی چیره می‌کند که حَرْث و نسل آنها را دستخوش شهوات خود کند. قیام برای نفع شخصی است که الآن هم چند نفر کودک خیابان گرد را درتمام کشور بر اموال و نفوس و اعراض مسلمانان حکومت داده. قیام برای نفس اماره است که مدارس علم و دانش را تسلیم مشتی کودک ساده کرده و مراکز علم قرآن را مرکز فحشا کرده. قیام برای خود است که موقوفات مدارس و محافل دینی را به رایگان تسلیم مشتی هرزه‌گرد بی‌شرف کرده و نَفَس از هیچکس در نمی‌آید. قیام برای نفس است که چادر عفت را از سر زن‌های عفیف مسلمان برداشت و الآن هم این امر خلاف دین و قانون در مملکت جاری است و کسی بر علیه آن سخنی نمی‌گوید....قیام برای خود است که مجال به بعضی از این وکلای قاچاق داده که در پارلمان بر علیه دین و روحانیت هرچه می‌خواهد بگوید و کسی نفس نکشد». (صحیفه امام ، ج۱، ص ۲۱- ۲۳).

براین اساس ارکان قیام (انگیزه، برنامه و رهبری)را این آیه این گونه بیان کرده است: کلمه «لله» به اخلاص درانگیزه و نیت اشاره دارد. کلمه «بِصاحِبِکُمْ» به وجود رهبری صالح و کلمه «تَتَفَکَّرُوا» بیانگر وجود فکر و برنامه در قیام است. توضیح اینکه «حرکت‌ها و انقلاب‌هایی که برای خدا نباشد و برخاسته از عقده‌ها و هوس‌ها و برای کسب ثروت باشد به جایی نمی‌رسد. اگر انقلاب همراه با فکر و برنامه جامع نباشد و یا رهبر الهی همراه و مصاحب با انقلابیون نباشد به نتیجه‌ای نمی‌رسد و بقا و برکاتی نخواهد داشت»(تفسیر نور، ج۹، ص ۴۵۹).

قیام فکری

برخی از مفسران ماهیت قیام را فکری معرفی می‌کنند. طبق این دیدگاه، مقصود خداوند در این آیه این است که؛ مردم،من شما را به یک چیز موعظه می‌کنم؛ برخیزید و فکر کنید. به تعبیر دیگر یعنی قیام فکری داشته باشید. اندیشیدن در مورد بنیادی‌ترین سؤالات بشر که همان توحید، معاد و نبوت است، فکر کنید.

مرحوم علامه طباطبائی می‌نویسد: «به ایشان بگو: من شما را به موعظتی وصیت می‌کنم و آن این است که بی سر و صدا و جدا جدا، برای خاطر خدا قیام کنید و در گوشه‌ای به فکر فرو روید، چون در تنهایی، فکر بهتر کار می‌کند»(ترجمه المیزان، ج۱۶، ص ۵۸۶).

قیام درونی و باطنی(عرفانی)

قیام در این آیه به معنای قیام درونی است. بدین معنا که به لحاظ باطنی و درونی بپا خیزید. این به معنای تحول درونی است. براین اساس خدا می‌فرماید: من شما را فقط به یک چیز دعوت کرده‌ام: «در خود تحول ایجاد کنید»(زندگی معنوی، فعالی، ج۱، ص ۳۷).

باتوجه به شأن نزول آیه، دیدگاه اول را باید جامعترین دیدگاه دانست. چراکه مهم‌ترین شأن ولایت همان «قیام برای خدا» در بعد اجتماعی است.

علی(ع) در شکوه‌ای که از یاران کوته‌نظر خود دارد، آنان را مورد نکوهش قرار می‌دهد. او آنها را برای خدا و برای رساندن به قله‌های معنویت می‌خواهد، ولی آنان علی(ع) را در قلمرو خواسته‌های دون‌مایه خویش می‌جویند: «همانا من شما را برای خدا می‌خواهم، در حالی که شما مرا برای منیت‌های حقیر خویش می‌جویید» (نهج‌البلاغه؛ خطبه ۱۳۶).

البته هیچ تباینی بین دیدگاه‌های سه‌گانه وجود ندارد. مثلا طبق دیدگاه دوم و با توجه به کلمه «واحدة» (یعنی تنها یک چیز) بویژه با تأکید به‌وسیله واژه «انّما»، این واقعیت عیان می‌شود که ریشه تمام دگرگونی‌ها و اصلاحات فردی و اجتماعی، حرکت در راه خدا و سپس به کار انداختن اندیشه‌هاست. هنگامی که افکار بیدار شد و غفلت‌ها از اندیشه و جان انسان‌ها رخت بربست، سرمایه‌های مادی و معنوی آن جامعه، بیهوده از میان نمی‌رود.

از منظر دیدگاه سوم و عرفانی هم باید گفت که انسان تا در خود تحولی بوجود نیاورد، نمی‌تواند در اجتماع دست به تحول به سوی کمال بزند.

تعبیربه مثنی(دو نفری) به این دلیل است که قیام اجتماعی با یک فرد به نتیجه نمی‌رسد. وقتی انسان از خودیت خارج شد و در وجود خود بر علیه غیرخدا (نفس) قیام کرد، در مرحله بعد باید در عالم خارج از خود هم با همیاری همفکران به قیام اجتماعی اقدام کند.

بنابراین موعظه الهی این است که انسان همواره برای خداوند قیام کند و این قیام شامل قیام روحی و معنوی، قیام فکری و قیام اجتماعی است.

موعظه الهی این است که انسان همواره برای خداوند قیام کند و این قیام شامل قیام روحی و معنوی، قیام فکری و قیام اجتماعی است.

رسالت جهانی پیروان انقلاب اسلامی از نظر قرآن

خلیل منصوری

در نوشتار حاضر نویسنده با اشاره به اهداف انقلاب اسلامی که همان اهداف انبیای الهی است، به تشریح برخی از وظایف پیروان و دوستداران انقلاب اسلامی در سطح جهان پرداخته تا با عمل به آنها به تحقق اهداف جهانی این انقلاب کمک کنند.

***

اهداف انقلاب اسلامی، همان اهداف و فلسفه آفرینش انسان است که دارای مراتب، درجات و سطوح گوناگونی است. از نظر آموزه های قرآن، رسالت پیامبران هرگز پایانی ندارد و همواره در طول تاریخ به وسیله اولیاء و اوصیاء و پیروان آنان ادامه یافته است؛ چنانکه حضرت ابراهیم(ع) به عنوان بهترین و برترین پیرو حضرت نوح(ع) به این رسالت پرداخته و آن پرچم را برافراشته داشته است.(صافات، آیه ۸۳) همچنین حضرت رسول اکرم(ص) به همان رسالت ابراهیم(ع) پایبند بود و بر اساس دین حنیف عمل می‌کرده است.(انعام، آیه ۱۶۱) امروزهم پیروان انقلاب اسلامی می‌بایست همان رسالت پیامبران و اولیای الهی را به انجام رسانند و پرچم رسالت الهی را برافراشته دارند.

همچنین رسالت پیامبران و اولیای الهی محدود به زمان و مکان یعنی عصر زمانی یا جغرافیای مکانی نیست، بلکه از نظر زمانی و مکانی فراتاریخ و فراجغرافیایی است و از همین رو از آغاز حضور انسان تا پایان این حضور در دنیا ادامه می‌یابد؛ چنانکه همه بشریت بلکه حتی جنیان را در عرض و طول تاریخ و جغرافیا در بر می‌گیرد.(بقره، آیه ۲۱۳؛ فاطر، آیه ۲۴؛ انعام، آیه ۱۳۰) در حقیقت سنت الهی بر این است تا همواره رسالت تداوم یابد و تا زمانی که بشر بر روی زمین است این پیام الهی ابلاغ شود.(یونس، آیه ۴۷؛ اسراء، آیه ۷۷) علامه طباطبایی می نویسد: آیه شریفه ۴۷ سوره یونس دو سنّت را برای خدا یادآور شده است: ۱. سنّت رسالت پیامبران؛ ۲. سنّت قضاوت و داوری به عدالت. (المیزان، ج ۱۰، ص ۷۱)

البته رسالت پیامبران دارای اهداف و فلسفه‌های گوناگونی بوده است که بر اساس همان سطوح پیش گفته است. بر این اساس، می‌توان گفت که مهمترین رسالتی که بر عهده پیروان انقلاب اسلامی است، موارد زیر است:

۱. اتمام حجت: یکی از مهمترین رسالت های پیروان انقلاب اسلامی باید اتمام حجت بر جهانیان باشد؛ به این معنا که در قول و عمل، راه و بیراه را به مردمان نشان دهند تا جایی که کسی مدعی این معنا نباشد که ما از حقیقت آگاه نبودیم و کسی ما را به آن آگاه نکرد. این اتمام حجت در قول می بایست از طرق گوناگون و با ابزارها و فن‌آوری‌ها صورت گیرد. این مسئولیت همگانی است و اختصاص به نهاد یا شخصی خاص ندارد؛ هر چند که بر حوزه های علمیه و از جمله جامعه المصطفی العالمیه است که این مسئولیت را به نحو احسن به انجام رساند؛ اما این مسئولیت یکایک پیروان و دوستداران انقلاب اسلامی است و هر کسی موظف است به میزان توان خویش در این راه گام بردارد.(نساء، آیه ۱۶۵؛ قصص، آیه ۵۹؛ توبه، آیه ۱۲۲) همچنین اتمام حجت می بایست در عمل و رفتار نیز انجام شود؛ زیرا مردم باید در عمل با دیدن امت وسط، حقیقت را بیابند و به آن گرایش پیدا کنند.(بقره، آیه ۱۴۳) بر همین اساس، پذیرش ولایت الله و آثار آن و نیز اجتناب از ولایت طاغوت می بایست در عمل دیده شود(نحل، آیه ۳۶)؛ از طرفی پیروان انقلاب اسلامی باید در عمل نه تنها قیام بالقسط به عنوان یکی از اهداف ابتدایی و ابزاری داشته باشند(حدید، آیه ۲۵)، بلکه می‌بایست «قوامین بالقسط» باشند که «شهداء لله» در آن بروز و ظهور کند؛ یعنی هر کسی که به آنان بنگرد آنها را گواهان صادقی از جانب خدا بیابد که برای اقامه قسط و عدل قیام می‌کنند و هرگز در آن کوتاه نمی‌آیند. (نساء، آیه ۱۳۵؛ مائده، آیه ۸)

۲. مبارزه با طاغوت: از نظر آموزه های قرآن، پیروان انقلاب اسلامی نه تنها باید از طاغوت اجتناب کنند، بلکه اقتضای تَوّلی به ولایت‌الله، تَبرّی عملی از طاغوت و مبارزه با آن و نمادهایش است؛ زیرا اگر کسی این گونه عمل نکند، در حقیقت عاقبت بدی را برای خود و امت خویش رقم زده است.(نحل، آیه ۳۶) از نظر قرآن، شیطان و ولایت شیاطین، از مصادیق ولایت طاغوت است. همچنین ولایت ظالمان و مستکبران که علیه مظلومان و مستضعفان عمل می‌کنند، ولایت طاغوت است و باید مومنان و پیروان آن در هر کجای جغرافیای جهان علیه ظالمان و مستکبران قیام و مبارزه کنند.(نساء، آیه ۷۵)

از نظر قرآن، تزکیه در کنار تعلیم و شناخت حق و تبیین آن، می‌تواند انسان را به برترین موجودات هستی تبدیل کند تا جایی که فرشتگان نیز تحت تسخیر حاکمیت الهی آنان قرار گیرند. بر این اساس وظیفه پیروان انقلاب اسلامی این است که با تزکیه و اصلاح خویش و تعلیم و تزکیه دیگران معنویت و اخلاق الهی را به طور عملی در جهان به عیان تبلیغ کنند و مردمان را بر اساس معنویت بپرورانند و آنان را به آن تشویق کنند.

۳. اقامه عدالت: تجلیات ولایت الله و اتمام حجت عملی به این معنی است که پیروان انقلاب اسلامی، به اقامه عدالت در میان همه بشریت بپردازند و بدون تبعیض نژادی، مذهبی، دینی، فرهنگی، جنسیتی و مانند آنها، سهم و قسط هر کسی را به صاحبان حق بازگردانند؛ زیرا اقتضای عدالت آن است که هر کسی سهم و قسط الهی خویش را به دست آورد و حقی از او تضییع نشود.(یونس، آیه ۴۷؛ حدید، آیه ۲۵) پیروان انقلاب اسلامی می بایست با اصل«قوامین بالقسط و شهداء لله(نساء، آیه ۱۳۵؛ مائده، آیه ۸) به جهانیان در عمل نشان دهند که تا چه اندازه برای ایشان عدالت بویژه در حوزه عمل اجتماعی - اقتصادی مهم است و آنان تلاش می کنند که همگان از حقوق الهی خویش در همه عرصه ها بهره برند و حتی برای اقامه آن دست به شمشیر می برند و علیه ظالمان و قاسطین و مستکبران قیام می کنند.(حدید، آیه ۲۵؛ نساء، آیه ۷۵)

یکی از مهمترین رسالت‌های پیروان انقلاب اسلامی باید اتمام حجت بر جهانیان باشد؛ به این معنا که در قول و عمل، راه و بیراه را به مردمان نشان دهند تا جایی که کسی مدعی این معنا نباشد که ما از حقیقت آگاه نبودیم و کسی ما را به آن آگاه نکرد.

۴. تبلیغ اسلام: از دیگر رسالت های پیروان انقلاب اسلامی این است که در چارچوب هدایت الهی و توحید کلمه و کلمه توحید به تبلیغ اسلام بپردازند و دین توحیدی را در جوامع بشری اقامه کنند.(آل عمران، آیه ۷۹؛ انبیاء، آیه ۲۵؛ نحل، آیه ۳۵؛ نور، آیه ۵۴)

۵. تقویت معنویت: عدالت و معنویت از مهمترین جلوه های جامعه انسانی است؛ زیرا اگر عدالت و معنویت وجود نداشته باشد؛ انسان در سطح چارپایان سقوط می‌کند. اصولا انسان به این علت در جایگاه خلافت الهی قرار می‌گیرد که مظهر اسماء و صفات حسنای الهی است.(بقره، آیات ۳۰ و ۳۱ و ۱۳۸؛ آل عمران، آیه ۷۹) بنابراین، گرایش به معنویت و اصول اخلاقی و انسانی - الهی است که انسان را در جایگاه برتر قرار می دهد. پس، از مهمترین اهداف پیروان انقلاب اسلامی باید دعوت به معنویت و عدالت باشد. از نظر قرآن، تزکیه در کنار تعلیم و شناخت حق و تبیین آن، می‌تواند انسان را به برترین موجودات هستی تبدیل کند تا جایی که فرشتگان نیز تحت تسخیر حاکمیت الهی آنان قرار گیرند. بر این اساس وظیفه پیروان انقلاب اسلامی این است که با تزکیه و اصلاح خویش و تعلیم و تزکیه دیگران معنویت و اخلاق الهی را به طور عملی در جهان به عیان تبلیغ کنند و مردمان را بر اساس معنویت بپرورانند و آنان را به آن تشویق کنند.(انعام، آیه ۴۸؛ اعراف، آیه ۱۳۵)

۶. انذار دشمنان: همان‌گونه که بشارت به مومنان می‌تواند تشویق کننده باشد، لازم است تا دشمنان را از تبعات و نتایج گفتار و رفتار ضد اسلامی برحذر دارند؛ زیرا اسلام مساوی با حق و حقانیت است و غیر اسلام چیزی جز باطل و کفر و تباهی و ضلالت نیست.(آل عمران، آیات ۱۹ و ۸۵) پیروان انقلاب اسلامی به عنوان اتمام حجت باید همان طوری که به تبشیر می‌پردازند و گروه‌های تبشیری راه اندازی می کنند به انذار کسانی بپردازند که غیراز اسلام، راه و طریقت دیگری در پیش گرفته و فلسفه و سبک زندگی خویش را اسلامی قرار نداده اند.(نساء، آیات ۱۶۵ و ۱۶۶؛ انعام، آیه ۴۸)

۷. دعوت به وحدت و توحید: مسئولیت تاریخی پیروان انقلاب اسلامی این است که مردم را به توحید بخوانند و از شرک و کفر برحذر دارند. از نظر قرآن، دعوت به توحید در عمل به معنای دعوت به وحدت نیز می باشد؛ زیرا اگر کسی قائل به توحید باشد، از هر گونه بت‌پرستی و شرک در امان خواهد ماند و از تفرقه و فرقه‌ای شدن در امان می ماند. از همین رو پیروان انقلاب اسلامی باید منادی وحدت در سایه توحید باشند.(بقره، آیات ۲۱۳ و ۲۵۳؛ شوری، آیه ۱۳؛ آل عمران، آیه ۶۴) تمسک به کتاب الله و عترت طاهره(ع) به عنوان حبل الله می‌تواند هر گونه تفرقه ای را از میان بردارد و بشریت را به وحدت برساند. (آل عمران، آیه ۱۰۳) بی گمان برای حل اختلافات، بهترین عامل، کتاب الله و عترت طاهره(ع) است که معیار علمی و عملی و حق و عدالت هستند.(بقره، ۲۱۳؛ یونس، آیه ۴۷) پیروان انقلاب اسلامی می بایست با تبلیغ علمی و عملی کاری کنند که حقیقت کتاب الله و عترت به عنوان معیارهای علمی و عملی قرار گیرد و جهانیان به این دو تمسک جویند تا رهایی یابند؛ زیرا منجی آخر الزمان از عترت طاهره(ع) است که به کتاب الله عمل می کند.

چراغ راه

حکمت را هر کجا یافتید اخذ کنید

قال النبی(ص): «الحکمةُ ضاله المومن، بأخذها اینما وجدها»

پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: حکمت (حقیقت) گمشده مومن است، هر جا که آن را پیدا کند، اخذ می‌کند.(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۲، ص ۹۹

حکایت خوبان

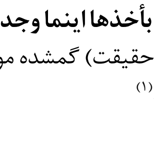

لزوم آگاهی از مقتضیات زمان و پیش‌بینی و برنامه‌ریزی

امام‌علی(ع) از اصحاب خود شکوه می‌کند که چرا نباید ما و شما قوه پیش‌بینی داشته باشیم. ما (مقصود اجتماع است) از آنچه می‌دانیم منتفع نمی‌شویم، چیزی را که نمی‌دانیم نمی‌پرسیم تا بدانیم و کوبنده‌هایی که بر ما واقع می‌شود تا واقع نشود در فکر دفعش برنمی‌آییم. ما همیشه در مقام رفع هستیم نه مقام دفع و حال آنکه باید پیش‌بینی کنیم و چیزی را که هنوز واقع نشده است، قبل از وقوعش حساب کارش را بکنیم.(۱)

همچنین امام‌صادق(ع) می‌فرماید: کسی که به زمان خودش آگاه است مورد هجوم اشتباهات قرار نمی‌گیرد.(۲)

۱- نهج‌البلاغه - خطبه ۳۲
۲- الکافی، ج ۱، ص ۲۶

پرسش و پاسخ

عدم تعارض قوانین اسلام با توسعه و تحول

پرسش:

آیا قوانین اسلام در تضاد با توسعه و تحول دنیای جدید است؟ به بیان دیگر آیا ما می‌توانیم هم یک مسلمان واقعی ملتزم به قوانین اسلام باشیم و هم همراه و همگام با توسعه و تمدن جهان امروز؟

پاسخ:

ضرورت طرح مسئله

ما در این پرسش خود را در برابر دو متغیر می‌بینیم. از طرفی قوانین اسلام مطرح است، و از سوی دیگر یک حقیقت تاریخی به نام توسعه و تحول دنیای جدید وجود دارد. هر دو متغیر از روزی که بشر در این دنیا خلق شده و زندگی اجتماعی به وجود آمده است پیوسته در حال تحول و تغییر بوده و چالشی با یکدیگر داشته‌اند. ما حق داریم به هر دو متغیر علاقه‌مند باشیم و هم حق داریم به دین و اسلام علاقه‌مند باشیم و هم حق داریم به توسعه و تحول دنیای جدید و تمدن امروزی علاقه‌مند باشیم، ولی باید به این سوال پاسخ دهیم که آیا ما می‌توانیم هم واقعا مسلمان باشیم و هم همراه و همگام با تحول جهان و توسعه و تمدن امروزی یا نه؟

رویکردهای اجتماعی

۱- لازمه مسلمانی و دینداری بدبینی به توسعه و تحول دنیای جدید

چنین افرادی با این رویکرد بیش از همه اظهار علاقه به دینداری می‌کنند، و فکر می‌کنند که لازمه مسلمانی و دینداری این است که به پدیده‌های جدید و توسعه و تمدن دنیای امروزی با نظر بدبینی نگاه کنیم و آنها را به چشم اموری که بر ضد دین به وجود آمده است ببینیم، و لذا همیشه از جامعه عقب و پیرو و دنباله‌رو جامعه هستند، و وقتی در مقابل پدیده‌های جدید اجتماعی کاملا شکست خوردند و نتوانستند با آن مقابله کنند، آن‌وقت تسلیم می‌شوند. بنابراین یک طبقه دینمداران چنین می‌اندیشند که به نام اسلام و دین از تمدن و توسعه دنیای مدرن امروزی بریده‌اند. شاید بتوان این دیدگاه را نوعی تعامل افراطی با توسعه و تحول دنیای جدید نام برد.

۲- رها کردن دین با نام تمدن و توسعه علم و مقتضیات زمان

در نقطه مقابل رویکرد افراد دیگری قرار دارد که به نام تمدن و توسعه علم و مقتضیات زمان پیوند خودشان را با دین و آموزه‌های وحیانی آن بریده‌اند. این‌ها از هر چیزی که بوی قدمت و کهنگی بدهد گریزانند. از نظر آنها قدمت که به معنی سابقه زمانی بیشتر داشتن است مساوی است با کهنگی، و حال آنکه این دو مفهوم متفاوت هستند و کهنگی یعنی فرسودگی و قدمت یعنی سابقه زیاد داشتن. هیچ ضرورت و لزومی ندارد که یک چیز قدیمی در عین حال کهنه و فرسوده و مشرف به انهدام باشد. بنابراین کنار گذاشتن دین و اصل قرار دادن توسعه و تمدن دنیای جدید نوعی تعامل تفریطی است.

۳- هم می‌توان مسلمان و متدین بود و هم هماهنگ با توسعه و تمدن دنیای جدید

این دشواری هماهنگی با مقتضیات زمان برای اسلام از هر دین دیگر بیشتر است، برای اینکه یک خصوصیت اسلام مسئله اعلام جاودانگی است که دیگر دفتر نبوت برای همیشه بسته شده و تا روز قیامت دین دیگری نخواهد آمد. خصوصیت دیگر آن توسعه خود این دین است که در هر عصر و زمانی چگونه با مقتضیات زمان و مکان انطباق یابد. از طرفی مسئله توسعه و تحول تاریخ از ضروریات ناموس زندگی بشر است، و زندگی هیچ حیوانی حتی حیوانات اجتماعی از قبیل زنبور عسل متغیر و متحول نیست. انسان موجودی است که زندگی او از ضعف شروع می‌شود و خودش باید مسیر تکاملی خویش را البته با راهنماییهایی که از طرف انبیا شده است با ابتکار و قدرت و مسئولیت خودش طی کند.

شبهات و پاسخ آن

۱- شبهه اول: اساسی‌ترین اصل در این جهان تغییر و تحول است. لذا هیچ چیز در این جهان ثابت و جاویدان نیست. و دین هم که یکی از همین متغیرها است نمی‌تواند جاوید و باثبات بماند؟!

پاسخ شبهه: اگر طرح این شبهه به شکل فلسفی خالص باشد، پاسخ ساده‌ای دارد و آن این است که آنچه در جهان متغیر و ناپایدار است پدیده‌های مادی این جهان است. لذا بعد فیزیکی و مادی پیامبر گرامی(ص) هم متغیر است یعنی به صورت یک نوزاد متولد می‌شود، دوران کودکی را طی می‌کند، جوان می‌شود، پیر می‌شود و در نهایت از دنیا می‌رود. ولی سخن درباره قوانین و سنن این جهان است، که ثابت و لایتغیر است. اسلام قانون است نه پدیده و آنچه متغیر است پدیده است. قرآن هم می‌گوید: اسلام باقی می‌ماند ولی پیغمبر می‌میرد. «انک میت و انهم میتون» (زمر - ۳۰) ولی درباره اسلام و قرآن می‌فرماید: «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون» (حجر-۹)

۲- شبهه دوم: تنها قانون طبیعت تغییر و تحول ندارد، بلکه اساساً قانون زندگی بشر از آن نظر که بشر متغیر است تغییر و تحول دارد. بنابراین چون نیازهای بشر متغیر است، لذا قوانین نیازمندی‌های فردی و اجتماعی هم باید متغیر و متحول باشد؟!

پاسخ: درست است که شرایط زندگی بشر متغیر و نیازهای او تغییر می‌کند، ولی این مطلب عمومیت ندارد و بشر یک سلسله نیازهای ثابت و همیشگی دارد و یک سلسله نیازهای متغیر و موقت، و همه نیازهای بشر متغیر نیست. نیازهایی که مربوط به روح و معنی زندگی انسان است ثابت و لایتغیر است و نیازهایی که مربوط به شکل و صورت زندگی انسان است متغیر و متحول است. قوانین و مقررات اسلامی که متوجه روح و معنای زندگی است، نه شکل و صورت همیشه ثابت و پایدار است. بنابراین اصول و صفات اخلاق حسنه شامل: استقامت، اعتماد به نفس، صداقت، امین و درستکاری و عدالت و آزادی و... همواره ثابت و لایتغیر است. در واقع اسلام برای نیازهای ثابت، قانون ثابت وضع می‌کند، ولی برای نیازهای متغیر وضع متغیر در نظر می‌گیرد. بنابراین اسلام یک سیستم قانونگذاری جامع و با عظمتی دارد که می‌تواند همیشه با پیشرفتهای زمان و توسعه و تحول دنیای جدید هماهنگ و بلکه هادی و راهنما باشد در عین اینکه با انحرافات زمان هم مبارزه کند.